

فرمانده انتظامی ورزقان از کشف ۵۰۰ کیلو گرم سنگ طلای قاچاق از یک دستگاه خودروی سواری خبر داد. به گزارش ایرنا، سرهنگ قاسم نظری گفت: ماموران انتظامی بخش خاروانا هنگام بررسی و گشت خودروهای عبوری، به خودروی سواری پژو مشکوک شدند که در بازرسی از صندوق عقب آن ۵۰۰ کیلو گرم سنگ طلا کشف کردند. فرمانده انتظامی شهرستان ورزقان افزود: در این زمینه یک نفر دستگیر و به تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شد.

## کوتاه از حوادث

- 
- 
- 

**\*فرد زندانی که ۱۵ سال قبل در پی تخریب دیوار زندان بم بر اثر زلزله، متواری شده بود در شهر آباد بر دسکن به دام افتاد.**
این محکوم که به جرم حمل مواد مخدر تحمل کیفر می کرد پس از فرار از زندان در پوشش باغبان یکی از باغ های پسته به زندگی زیرزمینی خود ادامه می داد.

**\* سه رهنگ آقا بیگی (فرمانده انتظامی مشهد) گفت :** چهار مین متهم پرونده ایجاد مزاحمت برای دختران نوجوان دستگیر شد.

**\*عامل کلاهبرداری ۳۶۰ میلیون ریالی از ۹ شهرند با شکر دبرنده شدن جایزه سفر به عنایت توسط کارآگاهان پلیس آگاهی در خراسان رضوی به دام افتاد.**

**\*رئیس ایستگاه آتش نشانی شادگان گفت:** آتش سوزی خوابگاه مدرسه شبانه روزی دخترانه ارشاد شادگان خوزستان شش مصدوم بر جا گذاشت.

## از میان خبرها

- 
- 
- 

## تشریح آخرین جزئیات پرونده انتقام ایستاکرامی تلخ

دختر نوجوان رضایت داد، اما متهم اصلی در زندان می ماند

**توکلی** - دادستان عمومی و انقلاب شهرستان سیرجان در باره جزئیات خبر آزار وادیت دختر جوان در این شهر گفت: این پرونده از جنبه عمومی جرم به صورت ویژه رسیدگی خواهد شد و دستگاه قضایی با اعمال این حادثه قاطعانه برخورد خواهد کرد.

به گزارش خراسان، قاضی محسن نیک ورز روز گذشته افزود: به رغم رضایت دختر نوجوان(بزه دیده) متهم اصلی که فردی با هویت "امیر-ک" جوانی ۲۰ ساله است از جنبه عمومی جرم در زندان به سر می برد. وی با بیان این که این دختر نوجوان متولد ۱۳۸۱ و اصالتا سیرجانی و به همراه مادرش ساکن تهران است، اظهار کرد: وی در نخستین جلسه رسیدگی به پرونده نسبت به متهمان اعلام رضایت کرده است اما مادر این دختر جوان از هر دو متهم شکایت کرده و تاکنون رضایتی اعلام نکرده است. این مقام قضایی بیان کرد: متأسفانه متهم اصلی پرونده با حيله و تیرنگ و به قصد انتقام، دختر بزه دیده را ترغیب و تشویق می کند که به سیرجان سفر کند که او نیز به همراه مادرش و به بهانه ملاقات با اقوام به سیرجان سفر می کند. دادستان سیرجان با اشاره به این که پدر دختر بزه دیده فوت کرده است، ادامه داد: وی پس از سفر به سیرجان، بدون اطلاع مادرش به یک خانه باغ که قبل توسط متهمان پرونده در منطقه ای خارج از شهر فراهم شده بود می رود که در ادامه متهمان ردیف اول و دوم با مراجعه به این مکان اقدام به آزار و ادیت و شکنجه هولناک این دختر نوجوان می کنندو سپس متهم ردیف اول، کلیپ ضبط شده را در استوری اینستاگرام خودش به اشتراک می گذارد. مقام قضایی سیرجان خاطرنشان کرد: هنوز چند ساعت از بازگذاری فیلم نگذشته بود که با دستور قضایی متهم اصلی همراه با فردی به نام "محمدی" که اقدام به تصویربرداری کرده بود، در مخفیگاه هشان توسط پلیس آگاهی سیرجان دستگیر شدند و با مشاهده فیلم سیرجان در این زمینه پرونده‌ای تحت عناوین "توطیف غیر قانونی، هتک حیثیت از طریق فضای مجازی و آزار وادیت بانوان، تشکیل شده است و متهمان در ردیف اول و دوم به ترتیب "امیر.ک" و "محمدی" تفهیم اتهام شده‌اند.

قاضی نیک ورز بیان کرد: تحقیقات در باره این پرونده هنوز کامل نشده و تحقیقات تکمیلی در حال انجام است و پس از کامل شدن تحقیقات، کیفر خواست تنظیم می شود و تلاش ما این است که در اسرع وقت دادگاه برگزار شود. وی با اشاره به این که دختر بزه دیده بازداشت نیست، افزود: متهم ردیف دوم نیز با توجه به نوع رفتارش با قرار بازداشت موقت هم اکنون بازداشت است.

**سید خلیل سجادپور** - مرد معتادی که مدعی

بود دیگر به آخر خطر سیده است، دقایقی بعد از دستگیری، به تشریح ماجرای تلخ قتل همسرش در پلاک ۱۰۰ پرداخت و گفت: همسر مرا کشتنم چون آواره بودم و چیزی برای دست دادن نداشتم! به گزارش خراسان، ظهر روز گذشته، جوانی به نام «م» با شنیدن صدای زنگ پیام دریافتی تلفن همراهش، بلافاصله صفحه پیامی را گشود که از سوی شوهر خواهرش برای او ارسال شده بود. جوان مذکور با دیدن پیامی که سرآغاز آن باتوهین زشتی همراه بود، وحشت زده چشم به‌سطور دیگر پیام دوخت «خواهرت را خفه کردم، برو شاید زنده باش!»

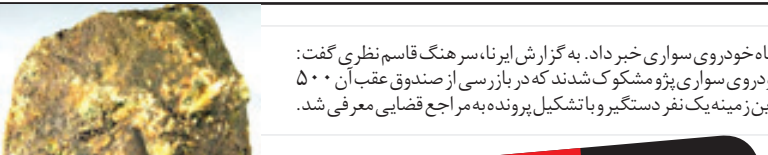
گزارش خراسان حاکی است، جوان یادشده در میان حیرت و اضطراب، بلافاصله به سوی منزل خواهرش در بولوار شهید فلاحی حرکت کرد و در همین حال با یکی از همسایگان منزل خواهرش تماس گرفت. آن همسایه وقتی اظهار کرد که «شوهر خواهرت را در حالتی مضطرب دیدم که از منزل بیرون رفت» بر نگرانی «م» به شدت افزوده شد. وی پس از رسیدن به منزل خواهرش و در حضور همسایه در واحد آپارتمانی را شکست و وارد اتاق شد اما آن چه می دید باور نکردنی بود، پیکر خواهرش وسط اتاق خواب افتاده و جارو برقی نیز در کنارش قرار داشت. او که دست و پایش را گم کرده بود و از شدت ناراحتی به خودمی پیچید، وحشت زده باور آنس تماس گرفت تا شاید بتواند خواهرش را نجات بدهد. اما وقتی نیروهای امدادی اورژانس در پلاک ۱۰۰ به معاینه زن ۳۷ ساله‌پرداختند که او علایم حیاتی نداشت و در کمتر از یک ساعت قبل جان خود را دست داده بود.

زبان این گزارش، با مشخص شدن ماجرای قتل، نیروهای انتظامی نیز وارد محل شدند و با حفظ صحنه جنایت، مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند. دقایقی بعد با حضور قاضی علی اکبر تیم‌های دایره تجسس کلانتری آیکوه مشهد در یک عملیات گسترده توانستند با رد زنی‌های علمی و تخصصی، سه تن از گردانندگان سرقت‌های شبانه را سوار بر یک دستگاه خودروی سواری در منطقه کوی امیر مشهد دستگیر کنند.

به گزارش پایگاه خبری پلیس، از این متهمان مقادیری مواد مخدر صنعتی از نوع شیشه کشف شد و پلیس در ادامه تحقیقات پرونده، ۹ عضو دیگر این شبکه بزرگ سرقت را نیز

## اعتراف اعضای یک باند به ۱۰۰ فقره سرقت در مشهد

شناسایی و در اقدامی غافلگیرانه متهمان را در یک مخفیگاه شان که منزلی مسکونی واقع در غرب مشهد بود دستگیر کرد.
در بازرسی از محل، مقادیری وسایل سرقتی نیز کشف شده است.
متهمان در تحقیقات اولیه تاکنون به ۱۰۰ فقره سرقت باتری و دیگر قطعات و وسایل خودروهای سواری اعتراف کرده اند و با توجه به احتمال افزایش سرقت‌های انجام شده توسط آن‌ها، بررسی‌های پلیسی با دستورات مقام قضایی ادامه دارد.



## ۵۰۰ کیلوگرم سنگ طلای قاچاق در ورزقان کشف شد



تصویر متهم در محل وقوع جنایت

وقوع جنایت در پلاک ۱۰۰ هدایت شد که هنوز مقام قضایی در پی تکمیل تحقیقات قضایی بود.
بنابر گزارش خراسان، متهم مذکور که ابتدا سعی داشت همه چیز را انکار کند، وقتی در برابر شواهد مستدل قرار گرفت دیگر نتوانست حقیقت ماجرا را پنهان کند. او در حالی که مدعی بود دیگر چیزی برای دست دادن نداشتم در محل وقوع قتل به قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد گفت: حدود سه سال قبل همین واحد آپارتمانی دو خوابه را با سرمایه خودم خریدم ولی به دلیل آن که به مواد مخدر اعتیاد داشتم همواره بین من و همسرم جنگ و جدل بود، اختلافات خانوادگی مان قدر شدت گرفت که همسرم قصد داشت از من جداشود به همین دلیل و برای جلب اعتماد او که به زندگی با من ادامه دهد بد منزل مسکونی را به نام او سند زد ولی باز هم من بیکار بودم و مواد مصرف می کردم. متهم این پرونده جنایی همچنین مدعی شد در این شرایط خانواده همسرم قول دادند که مبلغ ۵۰ میلیون تومان به من بپردازند چرا که آن‌ها معتقد بودند چون پسر پنج ساله ما با مادرش زندگی می‌کند و همسر من نیز

## حفر تونل ۷۰ متری برای سرقت سوخت از شاه لوله

فردی که باحفریک تونل تقریبا ۷۰متری منتهی به مسیر لوله اصلی انتقال سوخت از پالایشگاه نفت شهری به سمت استان مازندران، اقدام به سرقت فراورده‌های نفتی می‌کرده، در پاکدشت دستگیر شد. به گزارش پایگاه خبری پلیس، فرمانده انتظامی شرق استان تهران افزود: متهم با استفاده از شگردهای خاص و تخصصی بانصب فلکه ۴۵۰ اینچی در مسیر این خط لوله اقدام به سرقت وقاچاق گازوئیل و دیگر فراورده های نفتی می کرد. این خط لوله بنا به نیاز مراجع قضایی معرفی شد.

# اعترافات تکان دهنده کفتار تهران از آزار وادیت ۱۹ زن و دختر

آغوش می کشیدم که سرو صدان کنند و بعد با طناب یار و سری دست و پایشان را می بستم و سپس دست به سرقت طلاهایم زدم.
**چرا دختران و پسران را زار می دادی؟**
من هیچی یاد نمی‌آید. تو رو خدا دیگر سوال نکنید من خسته ام و بی حوصله.
**چطور هیچی به یاد نداری ولی سرقت‌ها را به یاد داری؟**
من شیشه می کشیدم و یکی در ذهنم دستور می داد که دزدی کنم.
**چرا طلاهای سرقتی چه کردی؟**
همه آن‌ها را برای قمار کردن استفاده می کردم و همیشه می باختم و طلاها را از دست می‌دادم.
**چه مدت است که این کار را می کنی؟**
از دوماه قبل دست به این نوع سرقت‌ها می‌زدم.
**چطور به فکر این شیوه سرقت افتادی؟**
وقتی شیشه‌می کشیدم به فکر این سرقت‌ها افتادم.
**در روز در چند خانه را می‌زدی تا به نتیجه برسی؟**
به دو هزار خانه سرکشی می کردم تا بتوانم از یک خانه که کودک در آن تنها باشند سرقت کنم.
**چرا مربی مهد کودک را زدی؟**
مرازد من هم او را زد.
**چرا؟**
شیشه کشیده بودم، برای سرقت به آن جا رفتم که زن جوان در برابرم مقاومت کرد و من هم با میله‌ای که آن جابود او را زدم و فرار کردم.
**چرا اگر مربی کنی؟**
پشیمانم.
بنا به گزارش، امیر بر برای تحقیقات بیشتر و شناسایی دیگر طعمه‌هایش در اختیار ماموران قرار دارد و قاضی پرونده‌اش با تقاضای چاپ‌عکس متهم خواست تا کسانی که به این شیوه هدف سرقت‌و آزار وادیت قرار گرفته‌اند به اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.

# حوادث | ۱۳

## در امتداد تاریکی

- 
- 
- 

## خون بازی!

از روزی که گوشی تلفن هوشمند برای پسر جوانم خریدم زندگی من نیز به هم ریخت و با مشکلات حادی روبرو شدم به طوری که امروز با دیدن دستان خون آلود پسرم وحشت سراپای وجودم را فرا گرفت و تازه فهمیدم این گونه خودزنی‌ها از شیوه‌های خطرناک انحراف جوانان در فضای مجازی است و ...

ز ن ۵۰ ساله که برای نجات فرزندش از گرداب خلافتاری‌های فضای مجازی دست به دامان قانون شده بود درباره چگونگی سقوط فرزندش به دام شبکه‌های اجتماعی به مشاور و مددکار کلانتری پنجنتمشهدگفت: همسرم مردی مهربان و زحمتکش بود که با کارگری دریک کارخانه نان حلال بر سفره‌ام می گذاشت بآن‌که از نظر مالی در وضعیت مناسبی بودیم ولی روزگار خوش ما سال‌های زیادی طول نکشید و دست تقدیر مسیر زندگی‌ام را عوض کرد. آن روزها قرار بود که ۱۲ سالگی پسر مرا جشن بگیریم که ناگهان خبر مرگ همسرم بر اثر یک سانحه رانندگی، همه ما را سیاه پوش کرد اگر چه به خاطر ارث همسرم غم‌نان نداشتم اما تربیت فرزندم مسئولیت سنگینی بود که باید به تنهایی بر دوش می کشیدم به همین دلیل کمر همتم را بستم تا جای خالی همسر مرا پر کنم تا او را مانند پدرش مرد کار و اخلاق بار بیاورم بنابر این همه امکانات رفاهی را برایش فراهم کردم تا با تحصیل در بهترین مدارس شهر به مدارج عالی دست یابد این گونه بود که بالاخره نتایج کنکور اعلام شد و من از خوشحالی اش می ریختم پسرم در رشته مهندسی معماری یکی از دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شده بود و من از این که پسرم در آینده فرد مفیدی برای جامعه خواهد بود از خوشحالی در پوستم نمی‌نجیدم. هنوز یک سال از تحصیلش در دانشگاه نمی‌گذشت که از من خواست گوشی هوشمند برایش بخرم من هم که دوست نداشتم پسرم کمبودی احساس کند یا نزد همکلاسی‌هایش خجالت زده باشد آخرین مدل گوشی هوشمند موجود در بازار را برایش خریدم از آن روز به بعد دیگر نمی توانستم حتی برای چند دقیقه با پسرم رو در رو صحبت کنم چرا که او با ورود به فضاهای مجازی مدام با گوشی تلفنش سرگرم بود به طوری که وقت ناهار و شامش را فراموش کرده بود و تپاسی از شب در اتاق را به روی خودش می بست و اوقاتش را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذراند. فرزندم دچار افت تحصیلی شده و کاهش وزن شدیدی پیدا کرده بود. نگرانی‌ها و نصیحت‌های من هیچ فایده‌ای نداشت و او به گونه ای معنادار اینترنت شده بود که حتی حاضر نبود چند عدد نان برای منزل خریداری کند خلاصه این ماجرا تا آن جاییست که فرزندم در ترم ششم دانشگاه در محل تحصیل کرد و برای آن‌که به قول خودش در فضای مجازی لایک بیشتری بخورد موبایلش را به طرز نامتعارف و ناهنجاری کوتاه می‌کرد به طوری که من به عنوان مادر خجالت می‌کشیدم کنار او در خیابان‌ها بروم به همین دلیل به فکر چاره افتادم و پول چند اعضای راقطع کردم تا بتواند شارژ اینترنت بخرد اما اوشیوه دیگری برای ادامه خلافتکاری‌هایش انتخاب کرد پسرم با سوءاستفاده از تصاویر زنان در فضای مجازی خود را به عنوان یک دختر زیبا معرفی می‌کرد و این گونه با فریب پسران هوسران از آن‌ها شارژ اینترنت می‌گرفت او حتی مدتی قبل با زن مطلقه‌ای که ۹ سال از خودش بزرگ‌تر است در یکی از همین شبکه‌های اجتماعی آشنا شده و قصد ازدواج با او را دارد از همه این‌ها بدتر پسرم با ورود به یکی از گروه‌های وحشتناکی انحراف جوانان را نشانه رفته است اعضای بدنش را خالکوبی کرده و گاهی با تیغ اقدام به خودزنی می‌کند و نام این کار هولناک را خون بازی می‌گذارد که مد شده است و ... حالا هم می‌دانم پسرم در دره بدبختی و فلاکت سقوط کرده و آینده‌اش را به تباهی کشانده است مگر آن ...

شایان ذکر است به دستور سروان محمد ولیان (رئیس کلانتری پنجنتم) پسر ۲۴ ساله با مادرش به مرکز مشاوره پلیس معرفی شدند.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**